

جلسه ۸۷  
صورت مجلس یوم شنبه  
دهم شعبان ۱۳۴۰ مطابق  
هجدهم حمل ۱۳۰۱

مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنج شنبه ۱۶ حمل را آقای امیر ناصر قرائت نمودند نایب رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا .

( اجازه )

سلیمان میرزا - قبل از اینکه در جواب اشکال بنده در صورت مجلس آقای نایب رئیس بفرماید در صورت مجلس خلاصه مذاکرات نوشته می شود عرض می کنم البته بنده هم می دانم صورت مجلس صورت خلاصه مذاکرات است و تمامی مذاکرات را در صورت مشروح می نویسد ولی با وجود این وقتی بدقت ملاحظه فرمائیدمی بینید مذاکرات آقای مخبر السلطنه تقریباً بطور تفصیل نوشته شده ولی جواب های بنده تقریباً يك كلمه نوشته نشده است اینجا است که بنده اشکال دارم بنده در چهار قسمت بایشان ایراد کردم و باید آن ایرادات بنده بطور فهرست نوشته شود بنده اولاً ایشان را متهم بقتل مرحوم خیابانی می دانستم

دوم ایشان را متهم بتوهین بجنایه مرحوم خیابانی می دانستم سوم اینکه ایشان را متهم دانستم باینکه پس از آنکه قزاقها و قوای نظامی شهر تبریز را گرفتند چند ساعت بعد که جنگ تمام شد در تحت نظر آقای مخبر السلطنه شهر غارت شد

چهارم اتهامی که من بایشان نسبت دادم این بود که با وجود اینکه نظریات خیابانی را قبل از اینکه بتبریز بروند در تهران در عدم مرکزیت می دانستند و وقتی رفتند نزدیکی تبریز بایشان گفته بودند که من باتو هم مسلکم در صورتی که عقاید ایشان را می دانستند چگونه تصدیق کردند و گفتند من با توهم مسلکم این چهار اصل اتهاماتی بود که بنده بایشان نسبت دادم حالا در صورتی که صورت مشروح نطق را در این صورت مجلس نمی نویسند باید لااقل این چهار اصل را بطور فهرست بنویسید چنانچه بیانات آقای مخبر السلطنه را هم مفصل نوشته اند

نایب رئیس - آقای مخبر السلطنه ( اجازه ) مخبر السلطنه - مطابق رایورتی که در تبریز بمن رسید و این جا هم عرض کرده ام از خانه که خیابانی در آن مخفی شده بود اول از آن خانه بطرف قشون شلیک شده بود در صورت مجلس قید نشده است

نایب رئیس - اصلاح میشود دیگر در صورت مجلس فرمایشی نیست ؟

وزیر عدلیه - بنده هم يك اصلاحی پیشنهاد می کنم و آن این است که در جلسه گذشته بنده سه تقاضا کرده بودم دو تقاضای بنده نوشته شده است و یکی نوشته نشده است و آن این بود که تقاضا کرده بودم چون کمیسیون عدلیه کار زیاد خواهد داشت و همه روزه باید جلسه داشته باشد اعضاء آن زود تر انتخاب شوند و این تقاضا در صورت مجلس قید نشده است

نایب رئیس - این هم اصلاح می شود آقای آقا سید حسن کاشانی ( اجازه )

آقای میرزا حسن کاشانی - بنده درباره مأمورین خارجه شرحی اظهار موافقت کرده بودم در این جا اسمی برده نشده است

نایب رئیس - اصلاح میشود دیگر ایرادی نیست

( اظهاری نشد )

نایب رئیس - صورت مجلس با این چند فقره اصلاح تصویب شد دولایحه از طرف دولت رسیده است یکی لایحه تقاضای ۵۰ تومان برقراری شهریه در حق یرنس حلال السلطنه است بکمیسیون بودجه فرستاده میشود

دیگر لایحه تقاضای یانصد تومان مخارج مقدماتی و سصد و سی تومان مخارج ماهیانه برای نقشه برداری جنگلهای سواحل بحر خزر این هم بکمیسیون بودجه ارجاع می شود دستور امروز در تفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی است

وزیر عدلیه - يك لایحه دیگری است راجع بتاسیس روز نامه رسمی که بایستی بودجه برای آن بر قرار شود تقدیم می شود که بکمیسیون بودجه ارسال شود

نایب رئیس - کمیسیون هائیکه باید انتخاب شود از این قرار است کمیسیون عدلیه - کمیسیون نظام - کمیسیون خارجه - کمیسیون معارف و اوقاف - کمیسیون قوانین مالیه - کمیسیون پست و تلگراف و فواید عامه از شعب هم کمیسیون عرایض و مبتکرات باید انتخاب شود

حائری زاده - اعضاء کمیسیونها چند نفر است نایب رئیس - بتفصیل نوشته شده است - آقای کازرانی راجع بدستور فرمایشی دارند

آقای میرزا علی کازرانی - خیر عرضی ندارم نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا

( اجازه )

سلیمان میرزا - راجع بکمیسیون ها که فرمودند اگر ممکن است راجع بعددش مذاکراه شود بنده يك تقاضائی دارم .

نایب رئیس - عددش که سابقاً معلوم شده است سلیمان میرزا - بنده می خواهم يك چیزی اضافه شود کمیسیون معارف بمناسبت اهمیت که دارد و نظامنامه هم اجازه می دهد بنده تقاضا میکنم اعضاء آن ۱۲ نفر باشد

نایب رئیس - مو کول برای مجلس است کمیسیون خارجه هفت نفر کمیسیون عدلیه سابقاً هشت نفر بود بعد ۱۲ نفر شد کمیسیون نظام شش نفر کمیسیون داخله دوازده نفر - کمیسیون معارف و اوقاف و کمیسیون مالیه قوانین ۱۲ نفر صنایع مستظرفه ۸ نفر کمیسیون پست و تلگراف فواید عامه هشت نفر کمیسیون عرایض و مبتکرات هر يك شش نفر پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا راجع بکمیسیون معارف است که دوازده نفر انتخاب شود باید رأی به پیشنهاد ایشان گرفت .

( جمعی اظهار داشتند لازم نیست کسی که مخالف نیست نایب رئیس - مذاکرات در تفسیر اصل هفتاد و نهم قانون اساسی است آقای شیخ الاسلام اصفهانی ( اجازه )

شیخ الاسلام - قانون اساسی ما مقدس است قانون اساسی ما نسبت بسایر قوانین مملکتی مهمترین قوانین است بعقیده بنده شهدای راه حریت ایران اساساً در پیشگاه عدل خداوندی افتخار می کنند به يك چنین خونبهای بعقیده بنده شرافتمند ترین دوره های مجلس آن دوره است که مفاد اصل قانون اساسی کاملاً هنگام وضع قوانین در نظر گرفته شود بعقیده بنده سعادت مندترین دولت ها دولتی است که مدلول قانون اساسی را بواقع اجراء بکنند اینک عرض می کنم قانون اساسی مقصود هم قانون اساسی است که مشتمل بر ۵۱ اصل و هم متمم قانون اساسی که مشتمل بر ۱۰۷ اصل است و در رعایت این ۱۵۸ اصل قانون اساسی و متمم آن بعقیده بنده سهل انگاری می شود و در لایحه قانونی وزارت جلیله عدلیه مورخه ۱۶ دلونست به چند اصل از اصول قانون اساسی و متمم قانون اساسی سهل انگاری شده مثل اصل ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۱ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۸ از قانون اساسی و اصل ۲۷ از متمم آن که اصول فوق الذکر صریحاً دلالت می کند برای اینکه وضع قانون باید در مجلس شورایی بشود و همچنین در مورد تفسیر فقره چهارم ماده ۱۴۷ از مواد راجع بعقیده که در مجلس شورایی تفسیر شده باینکه قانونیت نداشت و حال آنکه مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس

است و همچنین در لایحه هشتم حمل راجع بمعنا که خالصجات انتقالی نسبت باصل ۲۷ و اصل ۷۱ و اصل ۵۷ متمم قانون اساسی سهل انگاری شده است

چه این اصل صریح است که معنا که عرفیات در عدلیه و معنا که شریعات در معاضر شرع باید انجام بگیرد در این لایحه کنونی هم بعقیده بنده دارد اصل ۷۲ متمم قانون اساسی را جریعه دار می نماید گذشته از این بنده جمله های این لایحه قانونی را درست نمی فهمم

مثلاً نوشته شده است اصل ۷۹ متمم قانون اساسی حاکی است که در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در معنا که حاضر خواهند بود اگر چه باتوجه بعلت حضور هیئت منصفه در محکمه اصل مزبور روشن و محتاج بتفسیر نیست زیرا فقط در مواردی که جرم از نقطه نظر نظم و حقوق عمومی دارای حیثیت عمومی بوده و قطع نظر از مدعی خصوصی مدعی العموم عهده دار اقامه دعوی و تعقیب می باشد ممکن است دولت راجع بمحکومیت مجرمین و عدم محکومیت و یا شدت و ضعف مجازات آنها دارای نظری باشد و از این حیث ضمانتهای بیشتری برای استقلال رأی و بیطرفی محکمه لازم آمد ولی در جرائمی که بیشتر دارای حیثیت خصوصی بوده و تعقیب آنها از طرف مدعی العموم مشروطه باقامه دعوی از طرف مدعی خصوصی است احتمال اعمال نفوذ قوه اجرائیه در قوه قضائیه مستبعد است در این عبارت رعایت نزاکت شده است ولی روح مطلب این است که تمام دولت ها ظالم نیستند و مستبدی هستند و تعریک در محکومیت اشخاص بی تقصیر میکنند و يك چنین تصدیقی در مورد دولتی که طرف اطمینان کامل مجلس است خیلی بعید و مستبعد است بعقیده بنده در بیان فلسفه این مطلب اشتباه شده است

البته مدعی و مدعی علیه نباید نسبت بیکدیگر قضاوت کنند ولی نه بلسفیه که در این لایحه ذکر شده است که شاید حکمگذاری بشود بلکه بواسطه اینکه قضاوت مدعی و مدعی علیه هر قدر عالی قدر و عالی مقام باشند نسبت بیکدیگر مطلقاً صحیح نیست و همین فلسفه بود که اول شخص عالم امکان علی علیه السلام را در موردی که یک نفر ملت یهود مدعی آن حضرت بود در محضر شرع قاضی حاضر نمود و حال آنکه دوست و دشمن ساحت آن حضرت بود در محضر شرع قاضی حاضر نمود و حال آنکه دوست و دشمن ساحت آن حضرت را مقدس تر از این مبدانستند که در حق مدعی خود اعمال فرض فرماید این نظریه بنده بود در روی بگفتار لایحه که خواندم قسمت دیگر لایحه که نوشته است آقایان همه میفرمایند خوب است اگر فرمایشی دارند بعد اینجاست شریف بیاورند و بفرمایند

آقای سیدفاضل - مقصود حضرت تعالی

را بنده تفهیم  
 شیخ الاسلام - مقصود بنده  
 اینست که عبارت این لایحه اینطور مفهماند  
 که قوه اجرائیه نفوذ نکند سر قوه قضائیه  
 و اعمال غرض نکند بطوریکه نوشته اند  
 ولی مفادش این است که قوه اجرائیه  
 ظلم و تعدی می کند و بر علیه مظلومین  
 تهریک می کند و حال آنکه این فلسفه  
 قانون نیست فلسفه اش اینست که  
 مدعی و مدعی علیه نمی توانند در حق  
 یکدیگر قضاوت کنند و عقلا این مطلب  
 فلیح است و هر هاقلی یا بگوید یا بنویسد  
 فلان مدعی یا مدعی علیه در حق یکدیگر  
 قضاوت نکنند بنده آنرا تصحیح می کنم  
 اخلاقاً ما هر قدر بیشتر حیثیات مجلس را  
 در نظر داشته باشیم اقدام خود و مجلس و  
 مملکت را بیشتر در نظر داشته ایم بهر حال  
 در قسمت دیگر لایحه می نویسد با احتراز  
 این اصل در زمینه تصمیمات سیاسی کاملاً  
 مورد پیدا می نماید آن قسمت از اصل هفتاد و  
 نهم که راجع به مطبوعات است قدری بنظر  
 مبهم آمده و ظاهر عبارت محتاج بتفسیر  
 است که آیا مقصود مقنن این است که در  
 مورد محاکمه کلیه تصمیمات مطبوعات باید  
 هیئت منصفین حاضر باشند یا حضور هیئت  
 منصفین فقط در موارد تصمیمات سیاسی  
 مطبوعات یعنی تصمیماتی که دارای حیثیت  
 عمومی است لازم می باشد اگر شور اول  
 را تصور نمایم عملاً دچار نتیجه های غیر  
 منطقی خواهیم شد مثلاً اگر شخصی هتک  
 شرف کسی را شفاهاً و یا کتباً نموده و یا  
 کسی را مورد تهمت قرار داده باشد مدعی  
 خصوصی میتواند آن شخص را در محاکم  
 عادی بدون حضور هیئت منصفه تعقیب نماید  
 ولی اگر همان هتک شرف یا تهمت لایحه  
 روزنامه طبع و منتشر شده باشد موافق  
 این نظر معاً که آن منوط بحضور هیئت  
 منصفین می شود و حال آنکه هیچ دلیل  
 قطعی نداد مسلماً مقنن این نظر را نداشته  
 و مقصود از اصل ۷۹ قانون اساسی که حضور  
 هیئت منصفین را در محاکم عدلیه قید کرده  
 راجع به تصمیمات سیاسی مطبوعات بوده  
 است زیرا که این تصمیمات بیشتر دارای  
 حیثیت عمومی است در این عبارت قائل شده  
 اند به تساوی فیما بین یک مطلب که کتباً یا  
 شفاهاً بکنفر بی طرف گفته یا نوشته شده  
 باشد مطلبی که بکنفر مدیر روزنامه در  
 روزنامه نوشته باشد و حال آنکه چنین  
 نیست بکنفر مدیر روزنامه نباید در نظر ما  
 اینقدر کوچک باشد که آن را با بکنفر  
 مجهول الحال مقایسه نمایم روزنامه رکن  
 رکن تمدن است روزنامه سد فولادین است  
 در مقابل متجاوزین بحقوق بشریت روزنامه  
 ناشر حقایق است  
 روزنامه منور افکار و هادی و راهنمای

عموم است و هزار مزایای دیگر دارد خوب  
 آقایان میفرمایند دولت یا مجلس شورای  
 ملی یا یک اداره اجتماعی نمی تواند با  
 بکنفر روزنامه نویسنده طرف شود او را  
 محکوم نماید چرا که روزنامه نویسنده است  
 شجاع است زبردست است نمی توان او  
 را محکوم کرد آنوقت در یک مورد قلم  
 را بر علیه بکنفر معطوف نماید بکرتبه  
 بر حسب فلسفه که در اول این لایحه ذکر  
 شده است او را شدیداً تحت فشار و مضیقه  
 در آورند و محکوم نمایند با اینحال چگونه  
 می شود گفت فرقی مابین روزنامه نویسنده  
 و بکنفر مجهول الحال نیست این هیچ منطقی  
 ندارد بنده با تمام نظریات آقایان ارباب  
 جرائد همراه نیستم تفهیم از بنده میفرمایند  
 بفرمایند گاهی تندروهای بیوقف هم می  
 کنند که بعقیده بنده مضر بحال مملکت  
 است گاهی بکنفر ظالم آنقدر حمله میکنند  
 که او را در افکار و نظاره عمومی مظلوم جلوه  
 میدهد و حال آنکه در طی تجربیات تلخ  
 ناگوار بر ما ثابت شده که مظلومیت بکنفر  
 ظالم برای این مملکت چقدر مضر است  
 ملاحظه های متوالیه این چندروزه بعقیده  
 بنده برای حیثیات خود آنها و حیثیت دولت  
 مضر بود اما اینها دلیل نمیشود که ما بگوئیم  
 نباید بین بکنفر مدیر روزنامه و بکنفر  
 مجهول الحال فرق گذارد و این هیچ  
 فلسفه و منطق ندارد مثلاً می شود گفت فرقی  
 نیست بین یک مطلبی که در یک روزنامه  
 نوشته شده است و یک مطلبی که در یک  
 ورق پاره نوشته شده است هیچ دلیل و منطقی  
 ندارد

اصول مطلب در اینجا مرقوم شده  
 است نظر باینکه وزارت عدلیه تقدیم لایحه  
 قانونی راجع به محاکم را بسا حضور هیئت  
 منصفین در نظر دارد قبل از تفسیر اصل هفتاد  
 و نهم را لازم شمرده و معتقد است که باید  
 اصل مزبور بدین طریق تفسیر شود و  
 در موارد تصمیمات سیاسی که مطابق قانون  
 معین میشود و تصمیمات مطبوعات که مخالف  
 نظم و حقوق عمومی و اصول مستقره مطابق  
 قانون اساسی بوده و بدین واسطه دارای حیثیت  
 عمومی است هیئت منصفین در محاکم حاضر  
 خواهند بود این عبارات یک کلمات بیچ در  
 بیچی است که خلاصه در روح آن این جمله  
 میشود که عبارت اصل هفتاد و نهم متمم قانون  
 اساسی اینطور تفسیر می شود در موقع  
 تصمیمات سیاسی و تصمیمات سیاسی مطبوعات  
 هیئت منصفه در محاکم حاضر خواهند شد  
 آیا یک چنین تکراری شایسته قانون اساسی است  
 آیا این تفسیر است یا حذف است در متمم  
 قانون اساسی نوشته شده است در موارد  
 تصمیمات سیاسی و مطبوعات دیگر نوشته  
 است تصمیمات سیاسی بکنفر یا در محاکم یک  
 مدیر روزنامه یا در روزنامه باین تفسیر می  
 توان گفت در مورد تصمیمات سیاسی یعنی  
 کلیه تصمیمات سیاسی ولی در این لایحه

باید قانون هیئت منصفه برای تصمیمات  
 سیاسی و مطبوعات کلیه تدارک نمود ولی نه  
 مثل این قانون که در برج قوس تقدیم  
 مجلس شده است که بنده خدمت آقای  
 ذکاء الملک عرض کردم این قانون بسیار  
 خوب است ولی برای پایتخت های ممالک  
 بزرگ ماباید یک قانون هیئت منصفه تدارک  
 کنیم مناسب حال ایران و ایرانی

نایب رئیس - آقای زنجانی  
 (اجازه)

آقای شیخ ابراهیم زنجانی -  
 بنده هم مخالفم

نایب رئیس - آقای ملک الشعراء  
 موافقت؟

ملک الشعراء - خیر بنده هم  
 مخالفم

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا  
 (حاضر نبودند)

وزیر عدلیه - خلی بدقت فرمایشات  
 نماینده محترم را گوش دادم برای اینکه  
 ایراداتی که نسبت بلا لایحه میفرمایند بدقت  
 رد کنم بعد هم مدتی تأمل کردم که از  
 فرمایشات آقایان دیگر هم استفاده کنم  
 و دلایلی که در لایحه ذکر نشده است بگذاشتم  
 عرض کنم ولی چون مطابق ترتیب نظام -  
 نامه داخلی آقایان بایستی بترتیب مخالف  
 و موافق صحبت بکنند و آقایانی که اجازه  
 خواسته بودند مخالف بودند و نمی توانستند  
 بعد از بیانات مخالف اولی اظهاری بکنند  
 بنده برای اینکه راه را باز کرده باشم که  
 آقایان بتوانند فرمایشات خودشان را بفرمایند  
 آمده اینجا که یک مختصر عرضی کنم

موضوع دستور امروز گر چه تفسیر  
 اصل ۷۹ متمم قانون اساسی است ولی  
 گویا یک شیوه شده است که هر وقت راجع  
 به عدلیه صحبت شود آقای نماینده محترم  
 تمام معاصل صغیره و کبیره را که از اول  
 تا به حال شده تکرار فرمایند ایشان فرمودند  
 این پیشنهادی که من کرده ام و با مضای  
 آقای رئیس الوزراء و من رسیده و تقدیم  
 مجلس شده است می خواهم اصل ۷۹ متمم قانون  
 اساسی را بکشد و آن را پایمال کرده

که می نویسد در موارد تصمیمات سیاسی که  
 مطابق قانون معین میشود و تصمیمات مطبوعات  
 یعنی تصمیمات سیاسی مطبوعات در این جمله  
 بحث ظاهر کلیه سیاسی تکرار شده است  
 ولی بحث باطن یک جمله از متمم قانون اساسی  
 حذف شده است بهر جهت این لایحه از  
 حیث مقدمات و نتیجه بنظر بنده صحیح  
 نیست ولی این لایحه اصل ۷۹ متمم قانون  
 اساسی را جریحه دار خواهد کرد بهیچوقت  
 نباید از حد اعتدال خارج شد اگر ۱۷ سال  
 است ماموق نشده ایم باینکه قانون هیئت  
 منصفه را تدوین کنیم و بعضی خاطر ها از  
 جراید رنجی دارد دلیل نمیشود که حالا  
 با جمله اصل ۷۹ متمم قانون اساسی را پایمال  
 کنیم  
 و از بین ببرد بسیار خوب این یک ادعائی  
 است بنده هم در مقابل ادعا می کنم که  
 این لایحه اصل ۷۹ را زنده می کند چرا  
 برای اینکه مردن زنده شدن اصل ۷۹  
 منوط با اجرا شدن و اجرا شدن آن است  
 کلیتاً هر قانونی اجرا شود زنده است و  
 اگر اجرا نشود معو است و بنده کسی  
 هستم که می خواهم اصل ۷۹ متمم قانون  
 اساسی را اجرا و زنده کنم بقدریکه بنده  
 از نماینده محترم استنباط کردم ایشان سه  
 ایراد داشته یک ایراد ایشان در مقدمه بود  
 که فرمودند بنده نوشته ام ممکن است قوه  
 اجرائیه در قوه قضائیه اعمال نفوذی کند  
 و این جهت مرا مورد اعتراض قرار دادند  
 که چرا نسبت بدولتی که محل اطمینان  
 و اعتماد اکثریت مجلس شورای ملی است  
 این جسارت وی ادبی از من نائل شده است  
 این ایراد اول نماینده محترم بود در جواب  
 ایشان عرض می کنم که مقصود بنده دولت  
 حاضر امروزه نبوده که بدولتی که طرف  
 اعتماد اکثریت است بر بخورد بلکه نظرم  
 بخصوص ایرانی هم نبود مقصودم این بود  
 که بطور مطلق در تمام دنیا هیئت دولت  
 ممکن است در مواردی که خودش طرف  
 است در قوه قضائیه اعمال نفوذ کند و گمان  
 نمی کنم گفتن این مطلب هم اشکال و  
 ایرادی داشته باشد که کسی ایراد کند  
 چرا در مقدمه یک لایحه توهین شده است  
 بدولتی که طرف اعتماد مجلس بوده است  
 در صورتیکه من نظرم بیک دولت خاصی  
 نبود مطلقاً هر دولت و هر قوه مجریه و  
 هر کس و هر چه باشد درباره مواقع وقتی  
 که خودش طرف است ممکن است اعمال  
 نفوذ بکند بنا بر این جامعه وسائلی برای  
 جلوگیری از این مسئله ایجاد کرده است  
 که یکی از آنها با هیئت منصفه است بنده  
 هم همین عرض را کردم و چیز دیگری  
 عرض نمودم فعلاً باینقدر اکتفا می کنم و  
 بعد ممکن است در جواب ناطقین محترم  
 دیگر (که اظهار عقیده خواهند فرمود)  
 مفصل تر عرض کنم ایراد دیگری فرمودند  
 که من گفته ام اگر کسی توهین و هتک  
 شرف از کسی بکنند این توهین و هتک  
 شرف کتبی یا شفاهاً باشد بمحاکم  
 عادی رجوع می شود در صورتی که  
 مطابق قانون اساسی اگر این توهین و  
 هتک شرف از طرف مطبوعات باشد باید  
 بحضور هیئت منصفه محاکمه شوند آقای  
 فرمودند که چرا بنده چنین چیزی را گفتم  
 و آنوقت در ستایش مطبوعات شرحی فرمودند  
 که روزنامه رکن رکن است صد صدید -  
 است و بالاخره فرمودند فرق است بین یک  
 نفر روزنامه نویس و بکنفر مجهول الهویه  
 من کی گفتم بین روزنامه نویس و بکنفر  
 روزنامه نویس و مجهول الهویه فرقی نیست







کردم ممکن نیست دسیسه که دشمنان من فراهم کرده قبل از رسیدگی در جرایم آبروی مرا ریخته اند تا درصدا که مطلب روشن نشود نیروم حتی عرض کردم حاضریم اساعه بنظمه رفته یا بقزاقخانه خود را تسلیم نموده به قسمی میل دارم استنطاق کرده بعد بمعکبه مراجعه کرده مقصوم مجازات و الا رقع توهین از يك خدمت گذار صدیق ملت و مملکت بشود باز فرمودند اطلاعاتی من دارم که مشکلات کارها را مفر ضین زیاد خواهند کرد و احتمالی رود فردا که سه شنبه است مجلس شورای ملی در باب شما مذاکره نماید لذا این قسم صلاح دیده اند امروز حرکت کنید اگر مجلس فردا سوالی کرد بگوئید شما قبلا مسافرت کرده اید و میل دارند استعفای از وکالت هم قبلا داده حرکت نمایند عرض کردم استعفای از وکالت نخواهم داد حالا که این قسم امر می فرمائید آقایان مشیرالدوله و موتمن - الملك را بخواهید همین فرمایشات و مذاکرات در حضور آنها بشود بدانند من حاضر برای معا که هستم اعلیحضرت و دولت اصرار در مسافرت دارند فرمودند مؤمن الملك نمی شود ولی مشیرالدوله را می خواهم و در حضور خودتان مذاکره بشود تلفن فرمودند مشیرالدوله شرفیاب شد ولی بدون اینکه در حضور بنده مذاکره بشود بعد از رفتن مشیرالدوله پیام فرمودند که مشیرالدوله هم همین قسم صلاح می داند عرض کردم بنا بود در حضور من فرمایشات را بفرمائید فرمودند خود مشیرالدوله به ملاحظاتی مایل نقد مذاکره در حضور شما بشود این مذاکرات شب سه شنبه کشید پیغام فرستادند حالا که این شب است بهتر این است فردا قبل از تشکیل مجلس حرکت کنید زیرا دولت صلاح نمی داند در موقع مجلس در طهران باشد صبح سه شنبه عبدالله خان امیر تومان رئیس قزاق گارد همایون ابلاغ نموده باید حرکت کنید و باز تکلیف دادن استعفای از وکالت را کرد جواب دادم حالا که مجبور در حرکت هستم اطاعت می کنم ولی استعفای از وکالت نمی دهم باتفاق يك صاحب منصب و چهار نفر قزاق مرا حرکت دادند بدون اینکه بگذارند با احدی ملاقات یا مذاکره نمایم تا همدان آوردند در آنجا تلگرافی از ریاست وزراء بحکومت واز وزارت جنگ بصاحب منصب مامور رسید که مرا متوقف دارند تا دستور برسد در روز و يك شب در منزل نایب العکومه ماندم تا عصر جمعه خبر دادند یکنفر یاور قزاق و چند همراهان وارد همدان شده صاحب منصب همراه را در خارج خواسته تعلیمات دادند که مرا طرف کرمانشاهان حرکت بدهند خود مامور خدید از جلو رفته بین راه منتظر خواهد بود بترتیب مقرر حرکت

کردیم وقت غروب در چند فرسخی شهر همدان بطرف کرمانشاهان در يك نقطه که یاور قزاق ایستاده بود نگاهداشته مرا احضار کرد تصور نمود شاید حکم قتل مرا دارد شهرت خود را گفته جلو رفتم وقتی که رسیدم گفت من حکم دارم استعفای وکالت را از شما گرفته روانه کنم من بنای استتکاف گذاشته اوتنهید کرد تا یکساعت از شب گذشته این مشاجره طول کشید بالاخره تصریح نمود که چاره ندارید و الا بتکلیف خود عمل خواهم نمود من هم مجبور به تسلیم در آن شب در میان صحرا بحضور یکمده قزاق مامور شدم چراغی تهیه کرد با قلم و مرکبی مطابق مسوده که همراه داشت بتاریخ دهم میزان گفت تاریخ گذاشتم کلمه بکلمه مضمون استعفا را خواند نوشتم پس از گرفتن کاغذ مرا مرخص کرد بطرف کرمانشاه حرکت دادند امروز که دو شبه است وارد بغداد شده این تلگراف را بر ریاست محترم مجلس شورای ملی و وکلای عظام نموده عرض میکنم این است اساس مشروطیت ایران و این است اجرای مواد قانون اساسی و عدالت مشارالملك

**آقای میرزا علی کازرانی -**

معنی آزادی  
 قدین - بنده خیلی تعجب میکنم ما می خواهیم قانون وضع کنیم برای محدود نمودن متصدیان جرایم اما از آن طرف اشخاص که هزار گونه خواهان و خلاف قانون مرتکب می شود باید وزیر باشند زمامدار باشند که با باشند هیچوقت در تحت معا که نیابند این است زندگی این است معنی آزادی آنوقت اگر يك کسی در يك روزنامه بگوید من سنددارم که فلان زمامدار محکوم است کسی گوش بعرف او نمی دهد این است فجایمی که در این مملکت واقع میشود و این مجلس یا دانسته یا ندانسته تهاجمی و ناظر است آقایان ما آمده ایم حفظ حقوق جامعه ملت را بکنیم اگر نمی توانیم بهتر این است جامعه را تخلیه کنیم و برویم این چه ترتیب و چه شکلی است از برای زمامداری چندروزه همه دیدید چه بازها در این شهر بر پا شد در این تلگراف به سه شخص اشاره میکند یکی شاه است که مذاکراتی کرده است و چون پادشاه مسئول نیست کار نداریم یکی دیگر نسبت میدهد که وزارت جنگ تأمین نامه نوشته است بنده تصدیق متوجه وزیر جنگ هم نمیدانم چرا؟ برای اینکه آن نقشه که طرح شده بود آن نقشه در موضوع هر کس طرح میشد حق داشت برای مصون بودن خودش اقدام بکند نقشه اینطور تهیه شده بود که یکمده اشخاص درصددند که من و تورا که وزیر جنگ هستی بکشند

این طبیعی است وقتی يك نقشه جامع الاطرافی تهیه بشود انسان جایز الخطاء است و ممکن است برای حفظ خود متوسل به اقداماتی بشود باینجهت بنده او را مقصیر نمیدانم و آن اشخاصی را هم که گرفته بودند مقصیر نبود برای اینکه بعد از آن دستگیرها شد اگر حقیقتاً آنها ترور بودند چرا آنها را رها کردند؟ و چرا آنها را علناً معا که نمودند؟ این خودش دلیل این است که اثر آن نقشه متوجه بود که وزیر جنگ تأمین نامه میفرستد تقصیرات را بنده کاملاً متوجه قوام السلطنه میدانم برای اینکه میخواست چند صباحی رئیس الوزراء باشد بگمان اینکه مشارالملك مدعی او است این نقشه را طرح کرد ولی چرا باید نقشه را طوری تهیه کند که یکمده بیگناه را هم بگیرند و دچار زحمت بکنند و توقیف بکنند و بعد فردای آروز بگویند اشتباه کردیم این هم اصول زندگانی ما اگر بخواهیم معتقد بمجازات بشویم باید هیچ فرقی بین عالی و دانی نگذاریم قانون مجازات را باید بطور عموم برای کلیه طبقات وضع کنیم و همانطور که در اصل هفتاد و نه معا که گرفته و چون هیئت منصفه نیست ممکن است از حدود خودشان تجاوز بکنند و قانون برای آنها وضع می کنیم برای سایر طبقات هم باید قانون وضع کنیم و بقیه مردم بحال خود باقی باشند این شخص فریاد میکنند یکنفر ایرانی هستم حاضر مرا معا که کنند چرا معا که نشد؟ خوب فردا هم ممکن است برخلاف نظر يك شخص حرکت بکنیم بنده را هم در يك جای بیندازند هر چه داد بزنیم معا که کنند از معا که خبری نباشد آنوقت با این خیانت ها و این اصول بنده ناچار عرض میکنم این اصول مشروطیت و اصول آزادی و عدالت نیست و خوب است بدون سبب وجهت خودمان را گول نزنیم این اصول هرج و مرج است و بالاخره باید حکومت را بقانون داد فقط قانون در يك ملتی حاکم حقیقی است نه افکار و دماغ - های شخصی بنده در همان اوقات بود این اطلاعات را داشتم که در موضوع اظهار اعتماد به ایشان در مجلس خصوصی استتکاف کردم آنوقت با این ترتیب آقا در نقاط مختلفه که مشغول انتخابات هستند عرض دودست باهشت دست چسبیده.

**آقا سید یعقوب - قوام السلطنه**

خیلی خدمت کرده  
 قدین - خدمت کرده بانکرده فرقی نمی کند اگر کسی هزار شب نماز شب بخواند روزی بگیرد و شبها تا صبح عبادت

بکند اگر خطائی کرد باید مجازات شود این خبر در بهاء است که شخصی تازه مسلمان شده بود خدمت حضرت رسول آمده بعد از دوازده روز دزدی کرد او را گرفتند و خدمت حضرت آوردند عرض کرد دیر روز بواسطه اینکه تازه مسلمان بودم خیلی بن احترام گردید امروز امر می کنند دستم را ببرند . معلوم می شود اسلامش برای این بوده است خودش را محفوظ بدارد فرمودند من حکم خدارا جاری میکنم (ولو کانت بنتی فاطمه)  
 مسئله نیکی و خوبی و خدمت بجای خود من منکر نیستم اما از مسئله جنایت مسئله هر يك و حر کاتیکه صریحاً برضد قانون اساسی و منافع يك ملت است نمیشود صرف نظر کرد  
**مستشار السلطنه - هنوز که**  
 معلوم نشده  
 از طرف بعضی از نمایندگان  
 هنوز معلوم نیست (بعضی از نمایندگان همه نمودند)  
 قدین - اجازه بدهید شما هر قدر داد و فدیاء کنید من اینجا می ایستم ناداد و فریادتان تمام بشود من میگویم اینها اسناه است باوجود این تکلیف انتخابات سعیر جان چیست؟ و باوجود این آقای قوام السلطنه تکلیفشان چیست اگر کسی بخواهد رسیدگی کند در کدام محکمه باید ایشان را جلب کند مگر آنکه فردا بنده راهم مثل روزنامه اقدام به برند و بگویند تو فلان نسبه را داده وفلان کار را کرده  
**نایب رئیس - اگر آقایان اجازه**  
 بفرمایند جلسه را باید ختم کرد در خارج هم انشاء الله کمیسیون هارا معین بفرمایند  
**آقا سید یعقوب - در این مسئله بنده**  
 اجازه خواسته ام .  
**نایب رئیس - نظمانامه دستور**  
 العملی داده است در آخر جلسه ایشان اجازه خواستند و اظهاراتی کردند ولی چون جزء دستور نیست حالا جای مذاکرات نیست .  
 (وزیر عدلیه برای نطق برخاستند)  
**نایب رئیس - آقای وزیرم البته**  
 مذاکره نخواهند فرمود  
**وزیر عدلیه - موقع حرف زدن**  
 خودم را میدانم .  
**نایب رئیس - چون در این موضوع**  
 مذاکره نمیشود  
**وزیر عدلیه - فرق نمی کند بنده**  
 وظیفه خودم را میدانم .  
 آقای تدین در ضمن بیانات خودشان از محل و محکمه که باید رسیدگی کند سؤال فرمودند بنده که وزیر عدلیه هستم وظیفه ام این است که جواب بدهم البته هر وقت مدعی خصوصی اقامه دعوا نماید

مدعی العموم هم قطع نظر از ادعای مدعی خصوصی اقامه دعوا خواهد کرد  
**نایب رئیس - جلسه را اگر آقایان**  
 اجازه بدهند ختم میکنم  
 دستور جلسه آتیه  
 اولاً بقیه مذاکرات در تفسیر اصل هفتاد و نهم قانون اساسی  
 ثانیاً - راپورت کمیسیون بودجه راجع بکابینه ریاست وزراء و راپورت کمیسیون هرایض راجع بتلگراف شهید در باب مندرجات بعضی از جرایم  
**مستشار السلطنه - مسئله را که**  
 آقای تدین فرمودند يك مسئله ایست که بدون سابقه بمجلس شورای ملی آمده و با کمال اهمیتی که از صدر تا ذیل این اسناد را دارد  
 بعضی از نمایندگان حرکت نمودند و شروح بخارج شدن نمودند  
**مستشار السلطنه - مجلس را**  
 رسمی کنید تا بنده هرایض خود را عرض کنم .  
**آقا سید یعقوب - پیشنهاد**  
 کنید چه دستور جلسه آتیه بشود  
**نایب رئیس - عده برای رأی**  
 گرفتن کافی نیست در جلسه آتیه صحبت خواهید کرد  
 جلسه آتیه روز سه شنبه ساعت سه غروب مانده خواهد بود  
 مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد .  
**جلسه ۸۸**  
 صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست و یکم حمل ۱۳۰۱ مطابق سیزدهم شعبان المعظم ۱۳۴۰  
 مجلس دوساعت قبل از غروب ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس یوم شنبه ۱۸ حمل را آقای امیرناصر قرائت نمودند .  
**نایب رئیس - شاهزاده محمد هاشم**  
 میرزا در صورت مجلس فرمایشی دارید  
**محمد هاشم میرزا - چون در**  
 صورت مجلس اسم بنده برده شده لذا عرض می کنم چون عقایدی که بنده عرض کردم عقاید شخص خودم تنها نبود عقیده کمیسیون را اظهار کردم و گمان می کنم لفظ مغیر فراموش شده خوب است بعد از محمد هاشم میرزا لفظ مغیر اضافه شود .  
**نایب رئیس - آقای حاج شیخ**  
 اسدالله .  
 ( اجازه )  
**حاج شیخ اسدالله - در صورت**  
 مجلس نوشته شده که بنده عرض کردم هیئت منصفه می تواند محکوم را تبرئه کند بنده هیچوقت همچو مرضی نکردم .